



Traditional ways of using pasture plants by local communities (case study: Pastures of Qaleh-Miran region, Golestan province)

Mohammad Samiei¹ | Mohamad Rahim Forouzeh²

1. Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran, E-mail: mohammadsamiei94@yahoo.com
2. Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran, E-mail: rfroozeh@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 2023-02-21 Received in revised form: 2023-06-22 Accepted: 2023-06-24 Published online: 2023-11-11</p> <p>Keywords: Local experts, Medicinal plants, Ethnobotany, Semi structured interview, Miran Castle region</p>	<p>Purpose: Ethnobotany is the method of showing how local people make use of plants. Considering their use for the survival and livelihood of different communities since the past confirms the dependence on and connection with plants. In this study, Miran Castle area of Ramian city has been investigated regarding the richness of plant species and local people's indigenous knowledge.</p> <p>Methodology: The required information was gathered in the form of semi-structured interviews and participatory observation and interviews were conducted with local experts. In this research, we selected the species of 10 plant families that people had more knowledge about and the number of quotes was more than other plants.</p> <p>Findings: The results confirmed a various knowledge and use of plants so that out of 15 selected plant species, 10 species had medicinal-edible uses, medicinal purposes, 3 for fodder, and 2 species had toxic properties. In addition, the study showed that the local people named the plants according to their morphological characteristics and ecological needs, also, they knew well where the plants grow, the way they were harvested, and used as food, medicine, tools, and shelter for living their lives.</p>

Cite this article: samiei, M., & Forouzeh, M. R. (2023). Traditional Ways of Using Pasture Plants by Local Communities (Case Study: Pastures of Qaleh-Miran Region, Golestan Province). *Iranian Journal of Anthropological Research*, 13(24), 31-56. doi: <http://10.22059/ijar.2023.355091.459797>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://10.22059/ijar.2023.355091.459797>

شیوه‌های سنتی استفاده از گیاهان خودروی مراتع توسط جوامع محلی

(مطالعه موردی: مراتع منطقه قلعه‌میران استان گلستان)

محمد سمیعی^۱ | محمد رحیم فروزه^۲

۱. کارشناسی ارشد گیاهان دارویی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران، رایانامه: mohammadsamici94@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران. رایانامه: rfroozeh@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰</p>	<p>هدف- گیاه مردم‌نگاری روشی برای شناسایی دانش استفاده از گیاهان بین مردم بومی بوده و با توجه به اینکه گیاهان از گذشته تاکنون در بسیاری از موارد بقا و معیشت جوامع مختلف را تضمین نموده‌اند، وابستگی و ارتباط بین آنها با گیاهان را نمایان می‌کند. در این مطالعه با توجه به غنای گونه‌های گیاهی و دانش بومی مردم محلی در خصوص گیاهان، منطقه قلعه‌میران شهرستان رامیان مورد بررسی قرار گرفته است.</p> <p>روش شناسی- اطلاعات مورد نیاز به صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده همراه با مشارکت جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها به صورت هدفمند از خبرگان محلی صورت پذیرفت. در مجموع در این تحقیق گونه‌های مربوط به ۱۰ خانواده گیاهی که مردم نسبت به آنها شناخت بیشتری داشتند و تعداد نقل و قول از آنها نسبت به سایر گیاهان بیشتر بود انتخاب گردید.</p> <p>یافته‌ها- نتایج بیانگر آن است دانش و کاربرد گیاهان بسیار متنوع بوده بطوری که از ۱۵ گونه گیاهی انتخاب شده، ۱۰ گونه استفاده دارویی- خوراکی، ۳ مورد استفاده علوفه‌ای و ۲ گونه خاصیت سمی داشته‌اند. علاوه بر آن مشخص شد مردم محلی گیاهان را با توجه به خصوصیات موفولوژیک و نیاز اکولوژیک نام‌گذاری کرده و اطلاعات بسیار ارزنده‌ای در خصوص مکان رویش گیاهان، شیوه بهره‌برداری و شیوه استفاده از گیاهان به عنوان خوراک، دارو، ابزار و سرپناه دارند و از آنها در زندگی خود استفاده می‌کنند.</p>
<p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>خبرگان محلی، گیاهان دارویی، گیاه مردم‌نگاری، مصاحبه نیمه ساختاریافته، منطقه قلعه میران</p>	

استناد: سمیعی، محمد. و فروزه، محمد رحیم. (۱۴۰۲). شیوه‌های سنتی استفاده از گیاهان خودروی مراتع توسط جوامع محلی (مطالعه موردی: مراتع منطقه قلعه‌میران

استان گلستان)، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۳(۲۴)، ۳۱-۵۶. Doi: <http://10.22059/ijar.2023.355091.459797>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <http://10.22059/ijar.2023.355091.459797>

مقدمه

در بسیاری از نقاط جهان روستائیان و عشایر تاریخچه طولانی از زندگی مکان محور و سنت های با قدمت طولانی دارند که تولیدکننده نظام های پیچیده از دانش در رابطه با دنیا و محیط اطرافشان است (تونکتی و همکاران^۱، ۲۰۱۹: ۵). این مجموعه های پیچیده از دانش و فعالیت ها از طریق انتقال شفاهی، فرهنگ، آیین و آداب ها، یادگیری تجربی و اخیراً به صورت نوشتاری از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا کرده اند (تامور و دیلو^۲، ۲۰۱۶). که ما امروزه در بسیاری از زمینه ها برای بهبود کیفیت زندگی به آنها وابسته هستیم. این مجموعه های دانش و فعالیت اصطلاحاً به عنوان دانش بومی یا محلی شناخته می شوند (کاتامبی و همکاران^۳، ۲۰۲۰: ۴۷۹).

دانش بومی مجموعه ای از آگاهی و درک ناشناخته های جوامع محلی مناطق مختلف و ارزش های سنتی آنها است (رحیم نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۷). که زمینه های مختلفی مانند گیاه شناسی، پزشکی، کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و غیره را در بر می گیرد و همان دانشی است که در قرن های مختلف انسان ها از آن برای تامین نیازهای زندگی خود بهره می گرفتند (شهرکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

با توجه به اینکه گیاهان از هزاران سال پیش یکی از رکن های اساسی و به عنوان اصلی ترین منبع قابل دسترس انسان ها بوده اند (سلیمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴-۲۴). می توان علم استفاده از گیاهان را علمی کهن و غنی دانست که در مناطق مختلف جهان بخصوص در کشور عزیزمان ایران به دلیل وجود آداب و رسوم متنوع و گیاهان مختلف در تامین نیازهای زندگی استفاده می شده است (بی باک و مقبلی هنزائی، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۴۰). این استفاده ها در طول زندگی و تکامل انسان ها از طریق تجربه و آزمون و خطا شکل گرفته و باعث به وجود آمدن تجربه هایی ارزنده برای بهره برداری بهتر از گیاهان و تکمیل نمودن زندگی شده اند (ژیونگ و همکاران^۴، ۲۰۲۰: ۴۰۲). بررسی و ثبت این تجربه ها را اصطلاحاً اتنوبوتانی یا گیاه مردم نگاری می نامند (پرنس^۵، ۲۰۰۷: ۲-۱).

گیاه مردم نگاری، یکی از شاخه های دانش بومی است که به بررسی نحوه استفاده جامعه، فرهنگ و یا یک ناحیه خاص از گیاهان بومی موجود در آن منطقه می پردازد، این علم از طریق مصاحبه از افراد بومی ساکن در آن ناحیه ها قابل جمع آوری است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳۵). گیاه مردم نگاری علمی بسیار وسیع بوده چرا که تقریباً تمامی مردم کره زمین زندگیشان به گیاهان وابسته است، اما این امر در جوامع روستایی بیشتر قابل رویت می باشد آنچنانکه در بسیاری از موارد بقا و معیشت این جوامع را در قحطی ها تضمین نموده است، به همین دلیل می توان این علم را علاوه بر تجربی بودن تا اندازه بسیار زیادی کاربردی دانست (بازگیر و پورهاشمی، ۱۴۰۰: ۸۷). جمع آوری این اطلاعات و دانش مردم محلی یک منطقه، علاوه بر اینکه می تواند نقش مهمی را در جهت تولیدات گیاهی ایفا نماید، باعث مستند سازی اطلاعات غیرمکتوب محلی نیز می شود که علاوه بر جلوگیری از به فراموشی سپرده شدن این اطلاعات می تواند در جهت بهره برداری منطقی از منابع و حفاظت موثر از گیاهان مهم هر منطقه شود (پنی و اندرسون^۶، ۲۰۰۱: ۳). علاوه بر آن پژوهش های گیاه مردم نگاری می تواند راهی ارزشمند برای کشف برخی گونه های دارویی جدید شود و یا خواصی از گیاهان را معرفی نمود که در منابع به آنها اشاره نشده است ولی مردم محلی در مناطق مختلف از آنها به عنوان دارو استفاده می نمایند (پارادو و همکاران^۷، ۲۰۱۰: ۲۰۴-۱۵۱).

¹ Tounekti et al, 2019

² Tamru and Dillo, 2016

³ Kathambi et al, 2020

⁴ Xiong et al, 2020

⁵ Prance, 2007

⁶ Penny, R., Anderdon, 2001

⁷ pardo et al, 2010

با توجه به اینکه دانش مرتبط به استفاده از گیاهان که در طول صدها سال توسط بومیان گردآوری شده است با سرعت زیاد در حال فراموشی و اضمحلال بوده که در واقع از بین رفتن آن بخشی از فرآیند تخریب فرهنگ‌های محلی و بومی محسوب می‌شود. پس بجاست تا این دانش، ثبت شده و با استفاده و آگاهی از آن بهره‌برداری مناسبی از گونه‌های ارزشمند در جهت مدیریت بهینه از منابع خدادادی داشت. به همین جهت هدف اصلی این مطالعه، شناسایی گیاهان مهمی است که به طور گسترده به وسیله ساکنان محلی منطقه قلعه میران، در درمان انواع بیماری‌ها، ساخت ابزار و وسایل سرگرمی و تهیه غذاهای سنتی استفاده می‌شوند.

پیشینه پژوهش

در چند سال اخیر پژوهشگران کشور مطالعاتی را در زمینه اتنوبوتانی یا گیاه مردم نگاری انجام داده‌اند که در ادامه به صورت مختصر به برخی از آنها اشاره شده است.

سجادی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی در شهرستان فریدون شهر بیان کردند که مطالعات گیاه مردم‌نگاری برای دستیابی به گیاهان با ارزش و مورد استفاده مردم محلی این منطقه ضروری بوده و کشورمان دارای ظرفیت مناسبی برای توسعه این عرصه در پزشکی و طب سنتی است.

سعادت‌پور و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی سجا سرود (استان زنجان) پرداختند. نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان داد که افراد بومی و محلی منطقه در مورد شناخت گیاهان دارویی و استفاده آنها در طب سنتی منطقه جهت درمان بیماری‌های مختلف اطلاعات قابل توجهی دارند و این اطلاعات بیشتر نزد سالخوردگان است به همین دلیل در حال انحطاط و از بین رفتن می‌باشد.

کیاسی و همکاران (۱۳۹۸) نیز گیاه مردم نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی و صنعتی مرتع خوش بیلاق استان گلستان را مورد بررسی قرار دادند و یافتند مردم محلی از گونه گیاهی نام برده شده، استفاده خوراکی، دارویی و صنعتی داشتند. همچنین بررسی‌های به عمل آمده بیانگر این موضوع بود که بومیان گیاهانی که در محل سکونت خود می‌روید را به خوبی شناخته و طی سال‌های متمادی از آنها در بخش‌های مختلف زندگی خود استفاده می‌نمایند بطوری که بیشترین کاربرد گیاهان این منطقه برای درمان مشکلات گوارشی بود و استفاده برای درمان سرماخوردگی و تنگی نفس در رده های بعدی قرار داشتند.

بازگیر و پوره‌اشمی (۱۴۰۰) در زمینه مطالعه گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام از شهرستان سلسله، استان لرستان، به این نتیجه دست یافتند که بومیان نام گیاهان علوفه‌ای، فصل رویش و مکان رویش آنها را به خوبی می‌دانستند و از اندام‌های مختلف گیاهان استفاده‌های خوراکی، علوفه‌ای و دارویی می‌کردند.

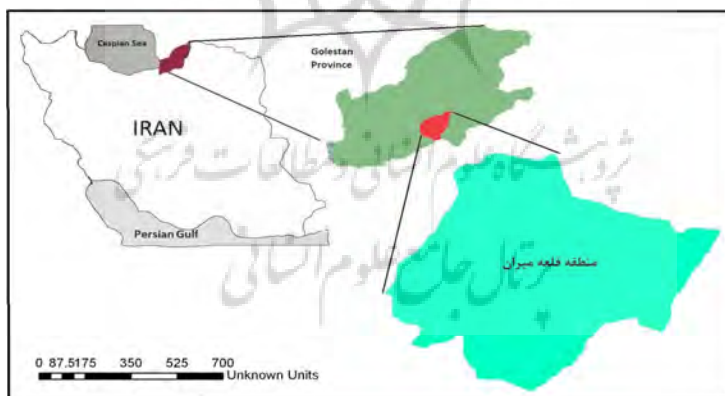
لذا در سال‌های اخیر با توجه به از بین رفتن سنت‌های قدیمی، رسوخ فناوری‌های نو در زندگی جوامع مختلف و عدم تمایل نسل‌های جدید به یادگیری دانشی که نزد سالخوردگان وجود دارد، بخش بسیار زیادی از این دانش که شامل شناسایی گیاهان، ویژگی‌های اکولوژیکی و استفاده از آنها در قسمت‌های مختلف زندگی است با فوت هر پیرمرد و پیرزنی که در مناطق روستایی و عشایری زندگی می‌کنند از بین رفته است. بنابراین جمع‌آوری این اطلاعات و حتی شناسایی گیاهان در مناطق مختلف از ضروریات است و با توجه به این که در این راستا تحقیقات چندانی صورت نگرفته است، هدف اصلی این مطالعه شناسایی گیاهان مهمی است که به طور گسترده به وسیله ساکنان محلی منطقه قلعه میران، در درمان بیماری‌ها، تهیه غذاهای سنتی و ساخت ابزار و وسایل سرگرمی استفاده می‌شوند.

روش شناسی

معرفی منطقه مورد مطالعه

منطقه قلعه میران با وسعت ۸۸۱۹ هکتار از توابع شهرستان رامیان، استان گلستان می‌باشد که با مختصات جغرافیایی 20° ، 02° تا 55° تا 14° ، 08° طول شرقی و 44° ، 52° تا 36° عرض شمالی در ۷۰ کیلومتری شهرستان گرگان قرار گرفته است. بطور کلی می‌توان این منطقه را به دو بخش دشتی و کوهستانی تقسیم کرد که دارای آب و هوای خنک و معتدل بوده و مقدار متوسط بارش سالانه در منطقه ۷۷۱ میلی متر است. بیشترین میزان این بارش‌ها بین ماه‌های آبان تا اردیبهشت می‌بارد. ارتفاع منطقه مورد مطالعه بین ۳۳۲۰-۳۸۲ متر از سطح دریا متغیر بوده و متوسط دمای آن ۱۵.۹ درجه سانتی‌گراد است و بر اساس طبقه بندی دومارتن این منطقه اقلیمی مرطوب دارد. حدود ۵۵ درصد از مساحت این منطقه را جنگل و پوشش درختی فرا گرفته و گونه‌های غالب جنگلی آن بلوط *Quercus castaneifolia C. A. May*، افراپلت *Acer velutinum* و انجیلی *Parrotia Persica C. A. May* هستند. در قسمت‌های مرتعی نیز گونه‌های، علف بره *Festuca ovina* و اسپرس خاردار *Onobrychis cornuta* به عنوان گونه غالب وجود دارند (مطالعات اداره منابع طبیعی، ۱۳۸۵: ۱-۵۰).

اکثر قومیت منطقه قلعه‌میران را فارس تشکیل می‌دهد که زبان آنها فارسی با لهجه کوهستانی است. معیشت اکثر این افراد از طریق دامداری، کشاورزی و استفاده از محصولات فرعی مرتع و جنگل تأمین می‌شود. همچنین بر اساس تحقیقات انجام شده در خصوص منطقه قلعه‌میران، تاکنون گزارشی در زمینه اتنوبوتانی علبرغم تنوع و فراوانی گیاهان دارویی، خوراکی و همچنین دانش بومی بالای مردم منطقه در ارتباط با استفاده‌های متنوع از گیاهان انجام نگرفته است. لذا در این مطالعه به معرفی گیاهان دارویی، خوراکی و صنعتی منطقه قلعه میران و نحوه استفاده سنتی از آنها پرداخته می‌شود.



شکل ۱: جانمایی منطقه مورد مطالعه

روش بررسی

به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از روش تحقیق مردم نگاری استفاده شد. در این روش اطلاعات از طریق مشاهده مستقیم، مشاهده همراه با مشارکت و استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، جمع‌آوری شدند. شیوه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به این صورت است که سوالاتی از قبل مشخص شده بود و از مصاحبه شوندگان منتخب پرسیده می‌شد. در این روش ضمن گوش فرا دادن به مخاطب در خصوص بعضی موارد برای درک بهتر گفتار افراد مصاحبه

شونده، از گفته‌های ایشان مجدداً سوالاتی مطرح می‌گردید. مصاحبه شونده‌گان منتخب، افرادی آگاه در زمینه اطلاعات مورد نیاز تحقیق بودند که شامل سالخوردگان، زنان روستا، کشاورزان، چوپان و گالشان^۱ مجرب می‌شدند. برای شناسایی افراد خبره از روش گلوله برفی، استفاده شد.

در این روش محقق پس از شناسایی یا انتخاب واحد اول نمونه‌گیری از آن برای شناسایی سایر واحدهای نمونه، کمک می‌گرفت و به همین ترتیب واحدهای دیگر نمونه، شناسایی و انتخاب شدند. در مجموع ۴۰ نفر در قالب ۲۵ مصاحبه با متوسط یک ساعت و ۳۰ دقیقه برای هر مصاحبه در این تحقیق شرکت کرده‌اند. از این مصاحبه شونده‌گان ۲۴ نفر مرد و ۱۶ نفر زن بودند و سن مصاحبه شونده‌گان از ۳۵ تا ۸۷ سال متغیر بود. محور اصلی مصاحبه‌ها سوالاتی از قبیل نام محلی گیاهان، زمان جمع‌آوری اندام‌های مختلف، نحوه برداشت، خواص درمانی، مکان‌های رویش گیاهان، چگونگی فرآوری و روش‌های تولید محصولاتی که از گیاهان بدست می‌آید، اندام مفیدارویی و کاربردی مورد استفاده، قسمت‌های مورد استفاده گیاهان، چگونگی آماده‌سازی و سایر کاربردهای گیاهان بود. لازم به ذکر است مصاحبه‌های محقق تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که در گفتگوها نکته جدیدی به یافته‌های قبلی اضافه نمی‌شد و در حین مصاحبه سعی می‌گشت روابط صمیمانه‌ای با اشخاص مختلف ساکن منطقه ایجاد گردد.

قابل ذکر است از آنجایی که محقق بومی شهرستان رامیان و آشنا به فرهنگ و زبان مردم این منطقه بود این ارتباط به خوبی برقرار می‌شد. همچنین به منظور ثبت درست و تجزیه تحلیل دقیق اطلاعات، علاوه بر نوشتن از ضبط صوتی و ویدئویی مصاحبه‌ها استفاده شد. در مرحله آخر برای شناسایی علمی گیاهانی که توسط جوامع محلی نام آنها بیان شده بود به همراه خبرگان بخصوص گالشان و چوپانان به عرصه مراجعه و اقدام به جمع‌آوری نمونه‌های گیاهی و همچنین از آنها عکس‌برداری شد. علاوه بر آن، در این مراجعات گیاهان جدید توسط افراد محلی بیان می‌شدند که اطلاعات آنها نیز ثبت و تکمیل گردید و در نهایت با استفاده از منابع معتبر گیاه‌شناسی مورد شناسایی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحقیق حاضر گویای آن است که مردم منطقه قلعه‌میران دانشی غنی در خصوص گیاهان محل زندگی خود دارند به طوری که فرم‌های رویشی را به صورت کامل می‌شناسند آنچنانکه هر گونه بر این اساس دارای نام و ویژگی‌های منحصر به فرد خود است. همچنین ایشان علاوه بر اطلاعات در خصوص شناسایی گیاهان در زمینه خواص آنها، زیستگاه گیاهان و نیازهای اکولوژیکی‌شان نیز آگاهی چشمگیری داشتند. آنچنانکه از گیاهان علاوه بر استفاده دارویی-خوراکی در ساخت ابزار، وسایل سرگرمی، وسایل تزئینی، علوفه دام و تهیه عسل، نیز استفاده می‌نمودند. که نشان دهنده شناخت همه جانبه مردم محلی این منطقه نسبت به گیاهان و استفاده مداوم از آنها در زندگی‌شان است. همچنین از میان مصارف دارویی بیشترین استفاده مربوط به درمان بیماری‌های گوارشی، درمان انواع زخم‌ها و عفونت‌ها، درمان تب و سرماخوردگی بود. هرچند غالب گونه‌ها مصارف خوراکی و دارویی داشتند اما تعدادی از این گیاهان غیر قابل مصرف بودند و از آنها به عنوان علف هرز مزارع و علوفه دام یاد می‌نمودند.

در ادامه دانش بومی مردم محلی پیرامون خصوصیات دارویی، بوم‌شناختی و نحوه کاربرد و استفاده برخی از گیاهان در زندگی روزمره مردم محلی این منطقه آورده شده است.

^۱ دامداران کوچ نشینی هستند و دامی که نگه داری می‌کنند گاو است.

جدول ۱- گیاهان بررسی شده در منطقه قلعه میران

نام محلی	نام فارسی	نام علمی	خانواده	فرم رویشی	اندام مورد استفاده
پَمول	بابا آدم جنگلی	<i>Petasites hybridus L.</i>	Asteraceae	یکساله	برگ و ساقه
گند جَارو	موره	<i>Artemisia annua L.</i>		یکساله	برگ و ساقه
گلِ مادران	بومادران	<i>Achillea millefolium L.</i>		چندساله	گل و برگ
چِخْمو شِغال	افسنطین	<i>Artemisia absinthium L.</i>		چندساله	برگ
شَلَمی	پیر گیاه	<i>Senecio vulgaris L.</i>		یکساله	برگ و ساقه جوان
کَر گزنه	گزنه سفید کرکی	<i>Lamium album L.</i>	Lamiaceae	یکساله	برگ و ساقه
سِفید پونه	پونه	<i>Mentha Pulegium l.</i>		چندساله	برگ و ساقه جوان
گالی	نی	<i>Phragmites australis</i>	Poaceae	چندساله	برگ و ساقه
تورنگ بُغلی	علف ماشک	<i>Vicia villosa Roth</i>	Fabaceae	یکساله	میوه
دارواش	دارواش	<i>L. Viscum album</i>	Santalaceae	چندساله	برگ و ساقه جوان
قوقو چپی	پیچک	<i>Convolvulus arvensis L.</i>	Convolvulaceae	چندساله	برگ و گل
آلوعک	گل حسرت زیبا	<i>Colchicum speciosum Steven</i>	Colchicaceae	چندساله	سمی
کلّه مِهَر	کارده سرماری	<i>Arum maculatum L.</i>	Araceae	یکساله	سمی
وَنوشه	بنفشه	<i>viola odorata l.</i>	Violaceae	چندساله	گل
ملکی	پنیرک گل ریز	<i>Malva parviflora L</i>	Malvaceae	یکساله	برگ و ساقه

۱. پَمول^۱

گیاهی علفی و یکساله است که بسته به منطقه و دمایی که محیط دارد از اوایل فروردین تا اوایل اردیبهشت می‌روید و در اواسط خرداد ماه دانه می‌دهد. بنا به گفته بومیان ساکن منطقه این گیاه در سال هایی که هوا در زمستان معتدل است و به اصطلاح ایشان زمستان سختی نبوده است در اواسط اسفند نیز شروع به رشد می‌نماید و تا اواخر خرداد خشک شده و بقایای آن برجای می‌ماند. خاکی که پَمول در آن رشد می‌کند تیره و مرطوب است و آن را در قسمت‌هایی از جنگل که نور زیادی به آنجا نمی‌رسد یا به اصطلاح «نِسام^۲» است و درلبه دره‌ها و مناطقی که رفت و آمد کمتر اتفاق می‌افتد می‌توان آن را پیدا کرد.

بومیان اذعان دارند که این گیاه ۲ نوع دارد هر دو نوع پَمول برگ‌هایی با ظاهر یکسان ولی اندازه متفاوت دارند. به صورتی که برگ و دم برگ شیرین پمول بزرگ‌تر از تلخ پَمول است. همچنین رنگ این دو از هم متمایز است بطوری که در رنگ‌های سبز کم رنگ و سبز پررنگ یافت می‌شوند. پَمولی که برگ‌های آن کمرنگ است را شیرین پَمول و به پَمولی که برگ‌هایی پررنگ دارد تلخ پَمول می‌گویند. یکی دیگر از تفاوت‌های این دو پَمول آن است که تلخ پمول ساقه گل دهنده‌اش انتهایی خاردار و گرد دارد ولی در شیرین پَمول قسمت گل دهنده آن بدون خار است. بومیان اذعان داشتند برخی افراد که تریاک مصرف می‌کردند، از ساقه‌های پَمول در صورت دسترسی نداشتن به ابزار لازم استفاده می‌نمودند چرا که این ساقه‌ها درونی خالی دارند و برای استعمال دخانیات مناسب هستند.

¹ pamul

² nesām

ساکنین این منطقه از قسمت‌های مختلف گیاه استفاده‌های متعدد خوراکی و دارویی می‌نمایند. به عنوان مثال ساقه گل دهنده گیاه را که در اوایل اردیبهشت ظاهر می‌شود قبل از به گل نشستن گیاه جمع‌آوری می‌کنند چرا که برای ایشان استفاده خوراکی و دارویی دارد. آنچنان که از ساقه شیرین پمول به عنوان تنقلات و خوراکی استفاده می‌نمایند یا آن را خرد کرده و در ماست می‌ریزند و از جوشانده ساقه تلخ پمول برای کاهش قند خون استفاده می‌کنند. همچنین ساقه تلخ پمول را نیز پوست کنده و همانند ساقه شیرین پمول از آن به عنوان سبزی استفاده می‌کنند ولی برای استفاده از ساقه تلخ پمول زمان تعیین می‌نمایند و بیان دارند این کار قبل از گل دادن آن باید انجام شود زیرا با گل دادن این ساقه تلخ و غیر قابل مصرف می‌گردد. البته در زمانی که ایشان این جمله را بیان می‌نمودند، عنوان می‌کردند که تعداد زیادی از ساقه‌های این گیاه را جمع‌آوری نمی‌نمایند تا در سال‌های بعد نیز بتوانند آن را در دسترس داشته باشند.

یکی دیگر از اندام‌های مورد استفاده از گیاه شیرین پمول، برگ آن است. بطوری که از آن در تهیه نان محلی که در ابتدا مخصوص صحرابانان (چوپانان و گالشان) بوده است و بعد به استفاده خانگی وارد شده، استفاده می‌شود. پخت این نان ریشه در فرهنگ مردم محلی داشته و در فصل مورد نظر که پمول رشد می‌کند آن را می‌پزند. خمیر پمول کماج طی پروسه خاصی با شیر تهیه می‌شود و برای پختن آن از خاکستر داغ فلس‌های پوست درخت مازی که به آن «کوعل مازی»^۱ می‌گویند استفاده می‌شود. کوعل مازی از درختان پیر و پوسیده بدست می‌آید تا صدمه‌ای به درختان جوان وارد نشود. این فلس‌ها را همراه با مقداری شاخه آتش می‌زنند تا تبدیل به ذغال و خاکستر شود که به اصلاح به آن «نرم خِل»^۲ می‌گویند و با توجه به این که برگ‌های شیرین پمول بزرگ هستند، دو برگ را در زیر خمیر پهن کرده و خمیر را روی آن قرار می‌دهند. سپس مقداری خمیر را عریض کرده و دو طرف برگ‌ها را نیز روی خمیر بر می‌گردانند تا خمیر کاملاً توسط برگ‌ها پوشیده شود. از دلایل این کار بنا به گفته ایشان یکی محافظت از خمیر و جلوگیری از سوختن آن است که این برگ‌ها به نوعی به عنوان عایق حرارتی استفاده می‌شوند و دلیل دیگر ایشان طعم گرفتن خمیر است که این برگ‌ها باعث ایجاد طعم و بویی مطبوع می‌شوند. این نان را محلیان امروزه پخته و از آن استفاده می‌کنند. از این برگ‌ها همچنین می‌توان به عنوان علوفه برای دام استفاده کرد که در اثر تعلیف دام از برگ‌های شیرین پمول شیر و چربی آن زیاد شده و دام را چاق می‌نمایند.

۲. گندجارو^۳

گندجارو هم در گرمسیر و هم سردسیر می‌روید و به دلیل بوی تندگی که برگ‌ها و ساقه آن دارد این گیاه را گندجارو نام نهاده‌اند. برای یافتن آن می‌توان از اواخر اسفند ماه و اوایل فروردین در اکثر نقاط این منطقه بخصوص کنار جاده‌ها به جستجوی آن پرداخت، این گیاه یکساله است و می‌توان آن را تا اواخر مهرماه نیز مشاهده کرد. ساکنین این منطقه در اوایل مردادماه قبل از گل دادن و زمانی که این گیاه بالغ می‌شود و ارتفاع آن تا ۱.۵ متر نیز می‌رسد، همه ساله آن را قطع نموده و از آن به عنوان چارو برای تمیز کردن حیاط خود استفاده می‌کنند به همین دلیل در این منطقه انتهای نام آن کلمه چارو را آورده‌اند.

اهالی ساکن منطقه اذعان دارند که گندجارو خواص درمانی متعددی داشته و می‌توان از آن برای کاهش قندخون، کشتن انگل، درمان دل‌پیچه، کاهش درد استخوان و بهبود استخوان‌های ترک خورده و شکسته استفاده کرد. بطوری که برای کشتن انگل و

¹ koale māzy

² narmeh khel

³ gandejāro

کاهش قند خون از جوشانده برگ‌های جوان آن استفاده می‌نمایند. آنان همچنین از آب برگ‌های جوان این گیاه برای درمان دل درد نوزادان نیز استفاده می‌کنند آنچنان که این برگ‌ها را کوبیده تا آب درون آنها خارج شود و از این آب به مقدار کم به نوزاد می‌خورانند. علاوه بر آن استفاده از برگ‌های این گیاه برای کاهش دردهای اسکلتی و ترمیم استخوان‌های شکسته در گذشته یکی از رایج‌ترین روش‌ها در این منطقه است بطوری که این برگ‌ها را درون روغن حیوانی تفت داده و سپس آن را با زرده تخم مرغ مخلوط کرده و گاهی نیز به آن خرما اضافه می‌کنند و آن را به صورت داغ بر روی محل درد یا شکستگی قرار می‌دهند و سپس با پارچه‌ای می‌بندند. ایشان بیان می‌کنند: «این کار درد را می‌کشد».

در گفتگو با زنان سالخورده این موضوع نیز بیان شد که این گیاه را برای مادرانی که به تازگی وضع حمل نموده‌اند استفاده می‌کردند. بطوری که برگ‌های تازه آن را برداشت نموده و همانند سبزی خورد می‌کردند و به همراه تخم مرغ و سیب زمینی برای این مادران غذایی شبیه کوکو سبزی می‌پزند. آنان اذعان می‌نمودند که این غذا باعث کاهش درد ناشی از زایمان می‌شود و همچنین برخی مواقع برای کاهش درد قاعدگی در زنان استفاده می‌شود. تمامی استفاده‌های ذکر شده برای این گیاه را در حال حاضر نیز می‌توان بین مردم محلی این منطقه مشاهده کرد.

۳. گلِ مادران^۱

در باور مردم منطقه قلعه‌میران گلِ مادران گیاهی علفی است که در سردسیر می‌روید. بومیان بیان دارند که این گیاه را در مناطقی که آفتاب فراوان می‌تابد و به گفته ایشان «کویر^۲» است و در نقاط شیب‌دار می‌توان یافت.

سالخوردگان بیان می‌کنند دلیل نام‌گذاری این گیاه به آن خاطر است که بیش‌تر توسط مادران این منطقه برای درمان دل‌درد نوزادان استفاده می‌شده است. با توجه به این که زنان این روستا در شناسایی گیاهانی که خاصیت دارویی دارند ماهر تر از مردان هستند، لذا برای جمع‌آوری آن در اردیبهشت ماه اقدام می‌کنند. پس از شناسایی، گل‌مادران را از نزدیکی سطح خاک به وسیله داس بریده. پس از آن گیاه را به محل زندگی منتقل کرده و آن را به وسیله نخ از چوب‌های سکوها آویزان کرده تا در هوای آزاد و بدور از نور مستقیم خورشید خشک شوند. لذا این گیاه را می‌توان با مراجعه به هر خانه در این منطقه این گیاه را یا در طاق‌های خانه درون پلاستیک یا آویزان شده از سقف سکوها مشاهده کرد.

اندام دارویی این گیاه گل‌های آن است که به روش‌های خام و دم کرده مورده استفاده قرار می‌گیرد. جوانع محلی این گل‌ها را درمان موثری برای دل‌درد شدید می‌دانند و بیان می‌دارند که هیچ دارویی بهتر از گل‌های گل‌مادران دل‌درد را بهبود نمی‌بخشد، لذا استفاده از آن در تمام طول سال حتی با توجه به وجود انواع درمانی متداول و مرسوم است. همچنین از دمنوش حاصل برای کاهش درد ناشی از قاعدگی در خانم‌ها استفاده می‌شود.

۴. جِخْمو شِغال^۳

در زبان محاوره‌ای این منطقه جِخْمو به معنی لحاف‌هایی است که از پشم گوسفند تهیه می‌شوند و شغال نیز یک حیوان سگ‌سان و کوچکتر از سگ است. بومیان نام‌گذاری این گیاه به نام جِخْمو شِغال را به این دلیل می‌دانند که این گیاه در مکانی می‌روید که

^۱ gel māderān

^۲ در لفظ محلی ایشان کویر به مناطقی می‌گویند که در ارتفاعات و بعد از جنگل و سنگلاخ و با تعداد کمی درخت است

^۳ jekhmo šegal

شغال‌ها را در روز بیشتر می‌توان در آنجا پیدا کرد چرا که مکان زندگی و لانه آنها در مناطقی است که این گیاه در آنجا رشد می‌کند. لذا اگر بخواهیم این کلمه را معنی کنیم می‌توان اینگونه بیان کرد که محل خواب شغال‌ها است.

چخمو شغال گیاهی چندساله است و گل‌هایی زرد رنگ و زنگوله مانند دارد که زیبایی خاصی به این گیاه داده است. در سال‌های اول رویش فقط برگ‌های آن رشد نموده و از فروردین و اردیبهشت سال دوم گل‌های آن ظاهر می‌شوند. برگ‌های این گیاه شانه مانند و به رنگ سبز هستند که روی آن را کرک‌های ریز نقره‌ای پوشانده است و در شب، هنگامی که هوا صاف است و ماه به منطقه‌ای که گیاه در آن وجود دارد می‌تابد، گویی این گیاه را نقره گون کرده‌اند.

بومیان این گیاه را بیشتر سردسیری دانسته ولی اذعان می‌نمایند که در مناطق گرمسیر نیز به در برخی مواقع یافت می‌شود البته عنوان می‌کنند که در سردسیر این گیاه را تا منطقه‌ای از ارتفاعات می‌روید که قبل از اولین برف زمستانه باشد و آن را از خط برف به بعد نمی‌توان یافت همچنین بیان دارند که می‌توان آن را در مناطق باز بین جنگلی که درخت کمتر رشد می‌کند و کمی سنگ لاهی به اصطلاح ایشان «سنگلاچی» است مشاهده کرد و دلیل این را وجود خاک مناسب و آفتاب بیان می‌کند.

ساکنین منطقه برگ‌های گیاه را دارای خاصیت دارویی می‌دانند و این برگ‌ها را از اوایل فروردین ماه هر سال جمع‌آوری می‌کنند و سپس همراه با مقداری آب می‌جوشانند پس از آن مایع بدست آمده را صاف نموده و مصرف می‌کنند و برای از بین بردن تلخی آن از نبات استفاده می‌کنند. یکی دیگر از دلایل استفاده این برگ‌ها به عنوان دارویی برای درمان زانو درد است. بطوری که سالخوردگان اعتقاد دارند این برگ‌ها دردهای مفصلی را که در دوران پیری سراغشان می‌آید را تسکین می‌دهد. بنا به گفته ایشان برای این کار دو روش وجود دارد که یکی از این روش‌ها را شخصی گالش عنوان نمود. ایشان بیان می‌نمود که در گذشته پدرشان این گیاه را جمع‌آوری می‌کرده و آن را کوبیده و له شده آن را روی زانوهای خود می‌بسته است و بیان می‌گفته است که این کار باعث گرم شدن و جریان خون می‌شود و درد استخوان را بهبود می‌بخشد. روش دیگر نیز تفت دادن این برگ‌ها درون روغن حیوانی است که پس از این کار به صورت داغ باید در محل مورد نظر بوسیله پارچه‌ای بسته شود.

همانطور که بیان شد استفاده از این گیاه دیگر متداول نیست و حتی می‌توان گفت افراد معدودی از کاربرد آن به عنوان درمان زانو درد را می‌دانستند.

۵. شلمی^۱

بومیان این گیاه را از روی گل‌های زرد رنگ و شکل ظاهری برگ‌های آن تشخیص می‌دهند، آنان شلمی را گیاهی یکساله و علفی می‌دانند که آن را در اواخر بهمن ماه در مناطق گرمسیر می‌توان مشاهده کرد. برای پیدا کردن این گیاه می‌توان از اواخر بهمن ماه در اطراف جنگل، نزدیکی جوی‌های آب و زمین‌های کشاورزی به جستجوی آن پرداخت که تا اوایل فروردین فقط برگ‌های کوچکش قابل مشاهده هستند. پس از رسیدن فصل بهار سرعت رشد آن بیش‌تر شده و در اردیبهشت گل‌های آن ظاهر می‌شود. این گل‌ها رنگ زرد داشته و به صورت رشته‌هایی در یک کاسه جمع شده‌اند که پس از گذشت یک‌ماه حالتی قاصدک مانند پیدا می‌کنند و از بین می‌روند. جوامع محلی شلمی را علف هرز مزارع دانسته و قبل از به گل نشستن یا تبدیل شدن گل‌های آن به قاصدک گیاه را ریشه کن می‌کنند.

^۱ šalemy

قسمت دارویی و خوراکی مورد استفاده شلیمی گل و ساقه گل دهنده آن قبل از به گل نشستن است. زنان این منطقه از گذشته تا به امروز از گل‌های این گیاه برای رفع مشکلات قاعدگی استفاده می‌نمایند و اذعان دارند دم کرده این گل‌ها برای کاهش دردهای دوران قاعدگی و همچنین منظم کردن این چرخه در بدن زنان مفید است. همچنین شیرابه تازه‌ای که از ساقه گل دهنده این گیاه بدست می‌آید نیز خاصیت درمانی مشابه‌ای دارد. همچنین این ساقه به صورت تفنی توسط بومیان مصرف می‌شود که ترد و طعمی شیرین دارد. این استفاده معمولاً در زمان وجین زمین‌های کشاورزی بوده است اما بیان می‌کنند در این سال‌ها افراد مختلفی در بهار این گیاه را جمع‌آوری کرده و آن را به عنوان تنقلات همراه با نمک و یا ترشی استفاده می‌کنند.

۶. کر گزنه^۱

ساکنین منطقه دلیل نام‌گذاری این گیاه را اینگونه عنوان می‌کنند که کرگزنه از لحاظ ظاهری بسیار شبیه به گزنه است اما همانند گزنه انسان را نمی‌گزرد و باعث ایجاد سوزش و خارش در پوست نمی‌شود. کر در زبان محاوره‌ای این منطقه عاری بودن از چیزی معنی می‌شود و در خصوص این گیاه می‌توان گفت به دلیل عدم وجود پرزهای گزنه این نام را به آن اختصاص داده‌اند و بیان دارند تفاوت این گیاه با گزنه فقط برگ‌ها و گل آن نیست بلکه ساقه آن نیز با گزنه متفاوت است و ساقه ای چهارگوش دارد.

بنا به گفته بومیان کرگزنه گیاهی یکساله است که در اوایل فصل بهار روییده و تا اواسط شهریور ماه می‌توان بقایای آن را در اطراف زمین‌های کشاورزی، نقاط مرطوب و چشمه‌ها که محل گذر آب است در مناطق سردسیر و گرمسیر، مشاهده کرد. مردم این منطقه کرگزنه را در اوایل فصل بهار زمانی گیاه شاداب و تازه است برداشت می‌کنند و از برگ‌های آن جوشانده‌ای برای درمان درد در ناحیه کلیه بدست می‌آورند. همچنین از این گیاه در تهیه انواع آش استفاده کرده و گاهی برگ‌های جوان گیاه را در فصل مناسب برداشت کرده و خشک می‌نمایند و به دوغ اضافه می‌کنند.

بومیان در گذشته از ساقه‌های قطور و چوبی شده این گیاه برای کودکان وسیله‌ای به نام «قَرّ قَرّانو» می‌ساختند. آنچنانکه حدود هشت سانتی‌متر^۲ از ساقه قطع شده گیاه را جدا نموده و در مرکز آن خراشی کوچک ایجاد می‌کنند و از قسمت خراش داده شده آن را به وسیله نخ پشمی می‌بندند سپس با چرخاندن آن و در اثر برگشت صدایی شبیه به بال زدن جیرجیرک تولید می‌کند که به این دلیل آن را قَرّ قَرّانو می‌نامند.

۷. سفیدپونه^۳

در دانش محلی این منطقه سفیدپونه گیاهی علفی است که هم در مناطق گرمسیر و هم در مناطق سردسیر از اواخر اسفند می‌روید و می‌توان آن را در اکثر فصول سال مشاهده کرد. اما با گرم شده هوا برگ‌های آن زبر شده و حالتی چوبی به خود می‌گیرند که در این زمان ایشان از این گیاه کمتر استفاده می‌نمایند. سالخوردگان این گیاه را دارای طعمی سرد و تند دانسته و اذعان دارند که مزه‌ای شبیه نعنا دارد. روی برگ‌های سفیدپونه را پرزهای سفیدی پوشانده است که دلیل نام‌گذاری آن نیز همین پرزها هستند.

زنان منطقه علاوه بر وجود انواع مختلف داروهای شیمیایی، این گیاه را درمانی بسیار قوی برای انواع عفونت دانسته و آن را به صورت دم کرده و موضعی استفاده می‌نمایند، علاوه بر این از برگ‌های این گیاه می‌توان به عنوان نوعی چاشنی در تهیه غذا و دوغ استفاده کرد اما مصرف بیش از حد آن را باعث سرگیجه و گرسنگی شدید می‌دانند. بومیان برای جمع‌آوری این برگ‌ها در اوایل

¹ kar gazane

^۲ به اندازه انگشت اشاره یک فرد بالغ.

³ sefeyd pune

اردیبهشت ماه اقدام به این کار می‌نمایند و برگ‌ها یا در برخی مواقع گیاه کامل را همراه با ریشه برداشت می‌کنند. برای خارج کردن این گیاه از ریشه این دلیل را بیان می‌کنند که: «سَفید پونه را، از ریشه در میاریم تا اونه سر و ته انگان (آویزان) کنیم که خاصیت برگهاش بیشتر پشه» این جمله بیان گر آن است که ایشان اطلاعات زیادی در خصوص استفاده و نحوه نگه داری و خشک کردن گیاهان دارند.

طیبان محلی یکی از استفاده‌های مهم گذشتگان را از برگ‌های سفید پونه، برای درمان و خنثی کردن سم مارها می‌دانستند که برای اینکار برگ‌های سفید پونه را از ساقه و نزدیک به زمین بریده و چند برگ را به صورت دسته‌ای کنار یکدیگر قرار می‌دادند و کاسه‌ای دوغ نیز تهیه می‌کردند. آنان اذعان داشتند با زدن این برگ‌ها درون کاسه دوغ و مالیدن آنها به محل نیش مار به همراه خواندن آیه یاسین، زهرمار از بدن فرد خارج می‌شده است.

۸. گالی^۱

گالی گیاهی است که جوامع محلی بیان دارند در اکثر فصول سال وجود دارد. ایشان این گیاه را شبیه به نی ولی کوتاه‌تر، نازک‌تر و با برگ‌های بیش‌تر توصیف می‌نمایند و بیان دارند که از روی ظاهر و اندازه قابل تشخیص است. بنا به گفته بومیان گالی مختص مناطق گرمسیر و به اصطلاح ایشان «جلگه^۲» است و در سردسیر رشد نمی‌کند. مکان رویش این گیاه را مناطقی که رطوبتی باشد، اطراف جاده‌ها و نقاطی که آب در آن نقطه راکد است یا اصطلاحاً «اومالو^۳» توصیف می‌نمایند.

بومیان گالی را گیاهی توصیف می‌کنند که ریشه‌اش در آب نیز رشد می‌کند یا به اصطلاح «ریشه می‌دواند» و در بهار این ریشه‌ها جوانه می‌زنند. با سرد شدن هوا در پاییز بذر داده و بعضی از پایه‌های آن خشک می‌شوند البته در نقاطی که شرایط مساعد است، می‌توان آن را در همه طول سال مشاهده نمود.

سالخوردگان اذعان داشتند گالی شبیه به نی ساقه‌های کلفت یا به اصطلاح «تیره» ندارد و بیش‌تر برگ‌های زبر آن رشد می‌کنند. ساقه‌های این گیاه کوچک و ضعیف هستند و اصطلاحاً به این ساقه‌ها «ترجین گالی^۴» می‌گویند که بین برگ‌های آن قابل مشاهده هستند. اما در مناطقی که رطوبت بیشتر می‌شود این ساقه‌ها رشد نموده و در شهریور ماه انتهای آن‌ها حالتی پرز و پر مانند به وجود می‌آید که بذر این گیاه در این قسمت وجود دارد. بومیان از ساقه‌های این گیاه که بذر داده است به عنوان جارو یا به اصطلاح «نر مه جارو» برای جارو کردن خاک‌های نرم، خاکستری که در اجاق‌های خود «کله» باقی می‌ماند و تمیز کردن کف کندوهای برنج و آرد و زیر نمدها در خانه‌ها در گذشته استفاده می‌کردند و با توجه به این که دیگر مردمان محلی از کله و کندو دیگر استفاده نمی‌کنند، استفاده از گالی به عنوان نر مه جارو را دیگر نمی‌توان مشاهده نمود.

جوامع محلی این منطقه در گذشته از ساقه‌های این گیاه در ساخت قسمت سقف خانه‌ها و طویله‌ها استفاده‌های متعددی می‌کردند. همچنین انواع ظروف برای نگه‌داری و جمع‌آوری انواع میوه و آبکش کردن برنج نیز از آنها تهیه می‌شده است که جای خود را به انواع ظروف دیگر داده‌اند. برای استفاده از این گیاه در سرد کردن تا شهریور اقدام به جمع‌آوری و بریدن این گیاه می‌کردند و بنا به این دلیل که بیشتر روستاها در این منطقه در ارتفاعات است، برای جمع‌آوری آن همراه با قاطر و اسب به پایین

¹ *Phragmites australis*

² jelge

³ omalu

⁴ terjin galey

دست رفته و در اطراف زمین های کشاورزی این گیاه را به صورت دسته ای پیدا کرده و به وسیله ابزاری به نام «دَرَه» اقدام به قطع کردن گیاه می نمودند. پس از قطع و انتقال آن به محل زندگی، برای ایجاد سقف می توانستند از دو روش استفاده کنند که در روش اول قسمت بریده شده گیاه را که اصطلاحاً به آن «کون گالی» می گویند رو به داخل و سر گیاه را رو به بیرون و در معرض باد و باران قرار می دادند. این رایج ترین روش بوده است و بیان می نمودند با انجام این کار این گیاه دیرتر (حدود ۲۰ سال به بالا) از بین می رود. ولی در روش دیگر قسمت بریده شده گیاه را رو به بیرون قرار می دادند که بیش تر در سقف طویله ها از این روش استفاده می شده است چرا که این طویله ها اکثراً بعد از چند سال باید از نو ساخته می شدند.

سالخوردگان همچنین اذعان داشتند در سال هایی که علوفه کم است و به اصطلاح «سختی زور کرده باشد» دام نیز از برگ این گیاه استفاده می کند اما به طور معلول این گیاه توسط دام مورد چرا قرار نمی گیرد.

۹. تورنگ بقیلی^۱

بومیان دلیل اختصاص دادن این نام به این گیاه را رنگ گل های بنفش آن که شبیه به رنگ پرهای پرنده ای به نام تورنگ است عنوان می کردند. تورنگ بقیلی را گیاهی بهاره است که در سردسیر و گرمسیر رویش دارد.

سالخوردگان این گیاه را با برگ هایی پهن و به رنگ سبز کم رنگ توصیف نموده که ارتفاعی تا یک و نیم متر دارد. گل های این گیاه که در اوایل اردیبهشت ماه ظاهر می شوند، بنفش هستند که رگه هایی سفید بر روی آنها دیده می شوند. در اواخر اردیبهشت نیز میوه هایی تورنگ بقیلی که ظاهری شبیه به ماش دارند، بر روی گیاه دیده می شوند. این میوه ها را می توان از اواسط خرداد برداشت نمود که آبدار بوده و طعمی شیرین دارند. بومیان به اصطلاح به این میوه ها غوزه تورنگ بقیلی می گویند. غوزه های این گیاه را می توان به صورت خام و پخته شده به صورت آب پز مورد مصرف قرار داد، برای مصرف آنها به صورت خام این غوزه ها را از گیاه برداشت کرده و پوسته رویی آن ها را جدا می کنند و دانه های گرد داخل آن را مورد مصرف قرار می دهند. همچنین آب پز شده این دانه ها در شب نشینی های مردم محلی این منطقه همراه با نمک به صورت تفنی استفاده می شود.

جوامع محلی این گیاه را علف های هرز مزارع دانسته و آن را در مزارع خود وجین می کنند اما در اطراف زمین های کشاورزی گیاه را ریشه کن نمی کنند تا از میوه های آن استفاده کنند هر چند برای یافتن آن در سایر نقاط این منطقه (غیر از زمین های کشاورزی) بخصوص در نزدیکی جنگل می توان به جستجوی آن پرداخت.

۱۰. دارواش^۲

در زبان محاوره ای این منطقه، «دار» به معنی درخت و «واش» هم به معنی علف بوده و دلیل نام گذاری این گیاه به آن خاطر است که دارواش به عنوان علوفه برای دام در نظر گرفته می شود و روی درختان رشد می کند به همین دلیل به آن دارواش یا علف درخت می گویند. به بیان محلیان دارواش در گرمسیر و سردسیر بر روی اکثر درختان رشد می کند اما روی درختانی همچون تَقَر و آنجیلو رشد بهتری دارد. این گیاه از شیره درخت تغذیه می کند و محلیان وجود مقدار زیاد این گیاه بر روی درخت را باعث خشک شدن آن می دانند. ایشان رشد این گیاه بر روی درختان را وابسته به انتقال بذر آن توسط پرندگان می دانند که به گفته ایشان با چسبیدن این بذر به هر درخت باعث رشد این گیاه بر روی آن می شود. این بذر در اواسط بهار ظاهر می گردد که درون قسمتی کروی و سفید رنگ است. مایع درون آن میوه حالتی چسبنده دارد و بنا به گفته محلیات طعم این قسمت بسیار شیرین است.

¹ turang bogely

² dārvāš

گل‌های دارویش شیری رنگ است که بویی بسیار مطبوع دارند. مصرف این گیاه زمان گل دادن، باعث افزایش شیر دام می‌شود و دام را چاق می‌کند. خبرگان محلی عنوان می‌کنند که این چاقی بدون اضافه شدن چربی به گوشت دام است. استفاده از دارویش به عنوان خوراک دام از گذشته تا به امروز متداول است و یکی از غذاهای اصلی رژیم غذایی دام‌ها در این منطقه محسوب می‌شود. در گذشته جوامع محلی از برخی ساقه‌های این گیاه که به قطر یک انگشت هستند وسیله‌ای به نام «سوتک» برای بازی و سرگرمی کودکان می‌ساختند. آنچنان که ساقه این گیاه را از نزدیکی دو بند آن برش می‌دهند و در مرکز آن سوراخی ایجاد می‌نمایند که نخ پشمی را از آن سوراخ عبور داده و با چرخاندن این نخ و دوباره کشیده آن صدایی همانند سوت ممتد ایجاد می‌شود.

۱۱. قوقو چپی^۱

به گفته اهالی دو نوع پیچک وجود دارد که هر دو نوع آن علف است. یکی را اصطلاحاً «نره پیچک» و دیگری را «مایه پیچک» می‌نامیدند که در گرمسیر و مناطق نیمه سردسیر از اواخر اسفند ماه در اطراف جاده‌ها، کنار پَرچین‌ها به عنوان علف هرز رشد می‌کنند و با آمدن سرما این گیاه از بین می‌رود. ایشان به نره پیچک به دلیل وجود گل‌های سفید رنگ و شیوری آن قوقوچپی نیز می‌گویند. دلیل نام‌گذاری این گیاه به نام قوقوچپی را اینگونه بیان می‌کردند در اواسط بهار که گل‌های این گیاه ظاهر می‌شوند، پرنده‌ای به نام «قوقوچپی» به این منطقه آمده و صدای «قوقو و چپی» را تولید می‌کند، کودکان و نوجوانان گل‌های این را چیده و آن را شبیه به بلند گویی جلوی دهان خود می‌گیرند و رو به جنگل صدای «قوقو» یا «چپی» را تولید می‌کنند و پرنده جواب ایشان را با تولید همین صدا می‌دهد به همین دلیل به این گیاه این نام را داده‌اند. بنا بر بیان ساکنین منطقه مایه پیچک توسط دام مورد چرا قرار می‌گیرد ولی نره پیچک کمتر چرا می‌شود. مایه پیچک گل‌های زرد رنگ این گیاه در اواسط بهار قابل مشاهده هستند.

یکی دیگر از استفاده کودکان و نوجوانان در گذشته از گل‌های قوقوچپی، برای تولید صدا بوده است. بصورتی که این گل‌ها از دم گل چیده و آن را بین انگشت شست و اشاره قرار می‌دهند بطوریکه لبه‌های گل روی انگشت شست و اشاره قرار گیرد و درون این گل فوت می‌کنند که با این کار گل ترکیده و صدایی شبیه به ترقه تولید می‌نماید.

۱۲. آلوعک^۲

آلوعک گیاهی علفی و یکساله است که می‌توان آن را در مناطق سردسیر این منطقه در کمربندها، مناطقی که در بین درختان آفتاب به آنجا می‌تابد و در قله کوه‌ها پیدا کرد. سالخوردگان این گیاه را نشان دهنده خط برف منطقه می‌دانستند و بیان می‌نمودند این گیاه را در جایی که اولین برف پاییز در آن جا می‌بارد می‌توان دید.

به گفته جوامع محلی این گیاه در زیر زمین دارای پیاز است و دوبار در سال با ظاهری متفاوت از زمین رشد می‌کند. بطوری که برای اولین بار در اواخر زمستان و اوایل بهار ساقه‌های سبزرنگ آن که دارای برگ‌هایی شبیه به بوته گیاه خربزه است پدیدار می‌گردد و بومیان آن را اصطلاحاً «خربزه تق» می‌نامند. این ساقه‌ها تا اواسط خردادماه با گرم شده هوا از بین می‌روند. سالخوردگان بیان داشتند که خربزه تق گل نمی‌دهد و ساقه خوابیده بر روی زمین یا اصطلاحاً «مَل» شبیه به بوته خربزه دارد. ایشان فصل رویش مجدد این گیاه را اواخر تابستان و اوایل پاییز بیان می‌نمودند که از پیاز آن گلی شش پره با بیرونی بنفش رنگ و درونی سفید ظاهر می‌شود. ساقه این گل سبز کمرنگ بوده و درون گل و قسمت سفید رنگ آن چندین نقطه زرد رنگ کوچک وجود دارد.

¹ gugu chapy

² aluak

جوامع محلی پیاز و گل آلوک را سمی دانسته و اذعان دارند استفاده دام از این گل‌ها باعث مرگ و تلف شدن حیوان می‌شود و بیان می‌نمودند در این منطقه در برخی سال‌ها که علوفه کم بوده است و برای چراندن گاوها گالشان همراه این دام‌ها به عرصه نمی‌رفتند، برخی از دام‌هایی که از مناطق پایین دست خریداری شده نآشنا به این منطقه بودند در اثر مصرف این گل‌ها تلف می‌شدند و به همین دلیل گالشان همراه این گاوها از شهرپور تا آبان به عرصه می‌رفتند تا این دام‌ها از گل این گیاه مصرف نکند. می‌توانست این موضوع را که دام در اثر مصرف این گیاه تلف شده را از گالشان و چوپانان به وفور شنید و محلیان سعی می‌کردند برای جلوگیری از این اتفاقات دام خود را برای چرا به نقاطی که این گیاه کمتر رشد می‌کند، ببرند.

گل آلوک به دلیل عمر کم در این منطقه گل یکروزه نیز نامیده می‌شود و مدت بسیار کمی در مناطق سردسیر دیده می‌شود، افرادی که همسر خود را از دست داده بودند در شعری به وصف یار از دست رفته خود می‌پرداختند و ایشان را به گل‌های زیبای این گیاه توصیف می‌نمودند، آنچنانکه:

« گل یکروزه ی من در کجایی تِ نماز و روزه ی من در کجایی تِ بانو بانو جان ای
شب و روز انتظارم کی می آیی تِ دو چشمان دم در شاید نیایی تِ بانو بانو جان ای»

سالخوردگان منطقه اذعان داشتند که در گذشته برای اینکه برخی از سگ‌ها در این منطقه به بیماری هاری دچار می‌شدند و درمانی برای آنها وجود نداشت، باید آن‌ها را از بین می‌بردند تا به کسی آسیب نرسانند. لذا برای این که سگ زجر نکشد از پیاز این گیاه استفاده می‌کردند. این پیاز را بین دو سنگ له کرده و به مقداری خمیر اضافه می‌نمودند، سپس خمیر را روی آتش قرار می‌دادند تا پخته شود. پس از پختن، نان بدست آمده را جلوی سگ انداخته و در اثر مصرف این نان سگ از بین می‌رفته است.

۱۳. کله مهر^۱

این گیاه در دانش افراد منطقه قلعه‌میران گیاهی علفی و چند ساله می‌باشد که در گرمسیر و سردسیر رشد می‌نماید. بومیان این گیاه را مختص مناطق سایه‌ای در زیر درختان و نقاطی که رطوبت زیادی دارد خصوصاً در کنار درختانی که از ریشه در آمده و پوسیده‌اند می‌دانند و دلیل نام گذاری این گیاه را شبیه بودن قسمت گل دهنده گیاه به سرمار عنوان می‌داشتند. همچنین این گیاه مورد استفاده انسان و حتی حیوان نیز قرار نمی‌گیرد و آن را سمی می‌دانند که می‌توان دلیل نام گذاری آن را نیز به دلیل سمی بودن آن دانست، چرا که برخی گیاهان را با اسم‌های منحوس و بد نام گذاری می‌کردند تا غیر قابل استفاده بودن آن را بتوان از اسمش تشخیص داد.

کله مهر برگ‌های و ساقه‌هایی سبز پررنگ دارد که این برگ‌ها نیزه‌ای شکل هستند و دو گوشه انتهایی آن کشیده می‌شود. برگ‌های این گیاه را می‌توان در گرمسیر و سردسیر از دی ماه در زیر درختانی همچون ترشه‌آلو و مازی مشاهده کرد. قسمت گل آذین کله مهر در اوایل فروردین پدیدار می‌گردد که این قسمت در اردیبهشت ماه دانه می‌دهد. این دانه‌های قرمز رنگ و براق به اندازه یک ساچمه بزرگ بوده و تلخ مزه هستند.

ساکنان منطقه از این گیاه برای از بین بردن جانوران مودی درون انبارها استفاده می‌کردند و سرشاخه گلدار این گیاه را کوبیده و بر روی مواد غذایی که جانوران مذکور از آنها تغذیه می‌نمودند آغشته می‌نمودند. به اذعان ایشان این گیاه برای از بین بردن جانورانی نظیر موش‌ها بسیار موثر بوده است. همچنین در خاطرات جمعی اغلب مصاحبه شوندگان خاطره‌ای بیان می‌شد که در این منطقه جوانی که دل‌باخته دختری می‌شود پس از آنکه خود را در رسیدن به وصال معشوق ناکام می‌یابد رقیب خود را در یک حرکت ناجوانمردانه با غذایی که آغشته به گل آذین این گیاه کرده بود از پای در می‌آورد.

¹ kale mehar

۱۴. وَنُوشه^۱

گیاهی علفی و چند ساله است که در مناطق گرمسیر و سردسیر درون جنگل‌ها، بخصوص زیر درختانی همچون کِنْدِس، ولیک^۲ و دامنه کوه‌ها دیده می‌شود. بومیان فصل رویش گیاه را اواسط بهمن یا اصطلاحاً «چله خُورد» بیان می‌کردند که برگ‌های سبز پَررنگ، قلبی شکل آن سر از خاک بیرون می‌آورند و در آخر بهار این برگ‌ها در اثر گرما از بین می‌روند. وَنُوشه گل‌های بسیار زیبایی دارد که رنگی بنفش داشته و در اواخر اسفند این گل‌ها بر روی گیاه دیده می‌شوند. سالخوردگان اندام مورد استفاده وَنُوشه را گل آن بیان دارند که استفاده‌های متعدد خوراکی و دارویی دارند بطوری که این گل‌ها را به صورت خام و دم کرده همراه با گل شیرپنیر و گل کلاغ برای درمان سرما خوردگی و نرم کردن سینه استفاده می‌کنند. در فرهنگ این منطقه وَنُوشه قابل احترام بوده و برای آن اشعار بسیاری می‌خواندند که می‌توان این شعرها را با اشعار کتولی و مازندرانی مطابقت داد. سالخوردگان بیان داشتند که این اشعار بیشتر توسط گالشان و چوپانان خوانده می‌شد، چرا که ایشان در عرصه و دور از یار و دیار خود بودند و با دل‌تنگ شدن شروع به خواندن و زمزمه برخی از این اشعار که از گذشتگان خود فرا گرفته بودند، می‌کردند. بطور مثال:

« وَنُوشه دامنِ صَحْراره بَیته جان غم یاره مَن تَنهاره بَیته جان
غم یارم مگر یَکروز دِ روزه جان غم مَن روز به روز بالاره بَیته جان»

همچنین در خصوص آمدن بهار، فصل رویش وَنُوشه و بوی خوش آن نیز اشعار زیبایی می‌خواندند، آنچنان که؛
« بهاره گلِ دره، سره کو دلِ ای کوه سراسر دلِ جان وَنُوشه ی بو، آی لیلی غریب ای
نخور غصه نخورم گل خوشبو عاشق آن پشت درخته رو برو، آی لیلی غریبم ای».

این گیاه در باور مردم محلی بسیار با ارزش و محترم شمرده می‌شود چنانکه روستاییان وَنُوشه را عرق امام حسین دانسته و گل باغچه را عرق حضرت محمد و اذعان داشتند با توجه به اینکه این دو گل در بهار می‌رویند اگر شخصی این دو را کنار هم قرار بدهد و یک دسته گل از وَنُوشه و گل باغچه درست کند خدا مرادش را می‌دهد. این احترام را در کودکان این منطقه نیز می‌توانست مشاهده نمود چنانکه اذعان داشتند در قدیم که گل وَنُوشه را دکان‌ها می‌خریدند، کودکانی که هنوز به سن تکلیف نرسیده بودند اقدام به جمع آوری گل‌های این گیاه نموده و بجای گرفتن پول از آن دکان خرما می‌گرفتند و این خرما را در سال‌هایی که ماه رمضان در بهار بوده است برای افراد روزه دار حاضر در مسجد می‌بردند تا با این خرماها افطار کنند و بخشی از ثواب روزه نصیب آنها شود. همچنین در سال‌هایی که محرم در بهار بوده است این گل‌ها را چیده و بر روی چوب بلندی می‌بستند و آن را شبیه به علم در کل روستا می‌چرخاندند و نوحه خوانی می‌کردند.

¹ vanuše

² *Crataegus elbursensis* L.

۱۵. مَلِکِی^۱

به گفته خبرگان منطقه مَلِکِی از گذشته هم در گرمسیر و هم در سردسیر یافت می‌شد. هر چند که همیشه در گرمسیر حضور آن بیشتر و در سردسیر به ندرت بود، لیکن هم اکنون در سردسیر کمتر از گذشته است. جوامع محلی این گیاه را یک‌ساله و بهاره می‌دانند و اذعان می‌کنند در اواخر زمستان که هوا کمی گرم تر می‌شود رشد کرده و در اواسط اردیبهشت ماه گل می‌دهد که این گل‌ها صورتی هستند، در نهایت با گرم شدن هوا در اواخر بهار از بین می‌رود.

برگ‌های این گیاه سبز کمرنگ بوده و حالتی شبیه برگ‌های درخت نمدال دارد که موج دار هستند. در ایام گذشته یکی از ابزارهای بازی برای کودکان از برگ و ساقه‌های این گیاه ساخته می‌شد. به نحوی که کودکان و نوجوانان این برگ‌ها را جمع‌آوری نموده و با نخ از آنها حالتی شبیه توپ می‌سازند و یکی از بازی‌های محلی این منطقه که به اصطلاح «پا پا بازی» نام دارد را با این برگ‌ها انجام می‌دهند.

مَلِکِی را می‌توان در نقاطی که آفتاب بیش تر به آنجا می‌تابد مشاهده کرد و در سایه رشد چندانی ندارد. همچنین در نقاطی که محل گذر آب است یا درون زمین‌های کشاورزی این گیاه قدرت رشد بهتری دارد.

سالخوردگان بیان دارند که اندام دارویی و مورد استفاده از مَلِکِی برگ‌های آن است که در گشته از آنها برای درمان زخم‌های سطحی استفاده می‌شده است. بطوری که برگ‌های تازه این گیاه را کوبیده و مایع بدست آمده را به همراه تفاله این برگ‌ها در محل زخم می‌بندند تا با این کار از عفونت جلوگیری شود و زخم سریع تر بهبود یابد. همچنین از این برگ‌ها برای جلوگیری از چسبیدن نخ گوردها به الیاف در دستگاه‌های کاربافی قدیمی استفاده می‌کردند. بصورتی که قبل از کشیدن نخ‌ها به درون دستگاه کاربافی روی گوردهای این دستگاه‌ها برگ بریده شده مَلِکِی را می‌کشند تا مانع از چسبیدن الیاف به گورد شود و دلیل استفاده از این برگ‌ها به صورت تازه را اینگونه عنوان می‌کردند که: «برگ مَلِکِی روغنی داره که با پخته شدن در آب از بین می‌ره و به همین دلیل به صورت تازه روی گوردها می‌کشیمشان تا این روغن از گره خوردن نخ‌ها جلوگیری کند.»

همچنین از این برگ‌ها برای بدست آوردن رنگ زرد نیز استفاده می‌کردند. لذا با توجه به این که نخ ریزی و رنگ کردن نخ در این منطقه بیشتر جزو فعالیت‌های زنان بوده است به همین دلیل زنان در اردیبهشت ماه اقدام به جمع‌آوری این برگ‌ها می‌نمودند و با جوشاندن آنها و اضافه کردن الیاف به مایع حاصل رنگ‌زرد با دوامی بدست می‌آمد.

علاوه بر موارد گفته شده از برگ‌های تازه آن در اوایل بهار می‌توان برای دم‌پخت به همراه برنج استفاده کرد و بومیان دلیل آب کش نکردن برنج را از بین رفتن روغن درون برگ‌ها عنوان می‌کردند و به این دلیل این برگ‌ها را به برنج اضافه می‌نمایند که باور دارند این روغن خلط گلو را از بین می‌برد.

بحث

محققین در این تحقیق بر آن بودند تا دانش بومی شناسایی گیاهان خودروی منطقه قلعه‌میران و همچنین شیوه‌های بهره‌برداری، نحوه استفاده، خواص مختلف گیاهان و سایر کاربردهای آنها را مورد بررسی قرار دهند.

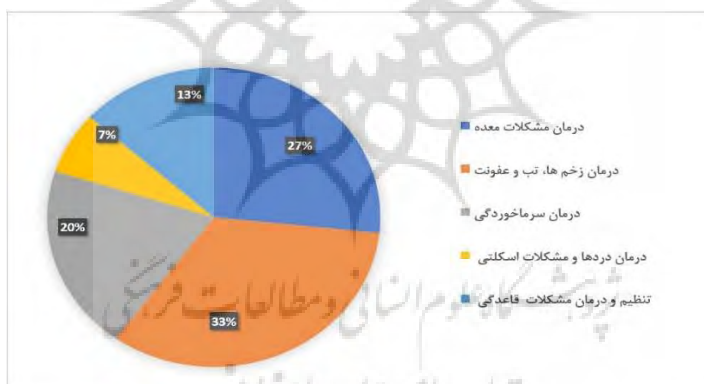
در این پژوهش، افراد محلی آگاه در مجموع به کاربردهای ۱۵ گونه گیاهی اشاره کردند. این گونه‌ها فرم‌های رویشی همچون علفی و بوته‌ای دارند که از این بین، فرم رویشی علفی بیش‌ترین استفاده را جهت مصارف متعدد دارد. گیاهان بررسی شده متعلق به

¹ maleky

۱۰ خانواده گیاهی بودند و به ترتیب خانواده های Asteraceae با ۵ گونه و Lamiaceae با ۲ گونه، بیشترین سهم در ترکیب گونه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این تحقیق اثبات کننده دانش غنی مردم بومی این منطقه نسبت به گیاهان محیط زندگی‌شان است که نشان می‌دهد دانش مردم محلی به استفاده دارویی از گیاهان ختم نمی‌شود بلکه از گیاهان استفاده های متعدد خوراکی، ساخت وسایل سرگرمی، علوفه، ساخت ابزار و غیره می‌نمایند. بطوری که در تحقیق حاضر از ۱۵ گونه نام برده شده، ۱۰ گونه استفاده دارویی- خوراکی، ۳ مورد استفاده علوفه‌ای و برای ۲ گونه خاصیت سمی در نظر می‌گرفتند.

استفاده چند جانبه از گیاهان در مطالعات گیاهی و همکاران (۱۳۹۸:۱۵۱-۲۰۴) نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بطوری که ایشان در مطالعه مراتع خوش بیلاق شهرستان آزادشهر استان گلستان به این موضوع اشاره کردند که جوامع محلی این منطقه نسبت به گیاهان محیط اطراف خود شناخت مناسبی داشته و از آنها انواع استفاده‌های چند منظوره دارویی، خوراکی و صنعتی می‌نمایند. آن چنانکه از ۳۰ گونه گیاهی نام برده شده، از ۱۷ مورد آن استفاده خوراکی-دارویی، ۱۰ مورد آن استفاده دارویی و ۳ مورد آن استفاده صنعتی داشتند.

در این پژوهش استفاده دارویی از گیاهان مربوط به درمان انواع زخم‌ها و عفونت‌ها (۳۳ درصد)، درمان بیماری‌های گوارشی (۲۷ درصد)، درمان سرماخوردگی (۲۰ درصد) و تنظیم، درمان مشکلات قاعدگی (۱۳ درصد) و درمان دردهای اسکلتی و ماهیچه‌ای (۷ درصد) بود.



نمودار ۱- نمودار درصد کاربردهای دارویی گیاهان منطقه قلعه‌میران

از دیگر نتایج این تحقیق آن است که مردم محلی اندام‌های مختلفی از گیاهان را به عنوان دارو استفاده می‌کردند که به ترتیب برگ و ساقه گیاهان بیشترین اندام مورد و سایر اندام‌ها نظیر گل و دانه برخی از گیاهان نیز توسط مردم منطقه قلعه‌میران مورد استفاده قرار می‌گرفت.

می‌توان این نتایج را در بررسی محققانی چون رجنی و همکاران (۱۳۹۵:۱-۵) در منطقه هزار جریب شهرستان نکا و دولتخواهی و همکاران (۱۳۹۱:۱۶۳-۱۷۸) در شهرستان کازرون نیز مشاهده نمود.



نمودار ۲- اندام‌های گیاهی مورد استفاده مردم محلی برحسب تعداد

چنانکه از نتایج این تحقیق بر می‌آید یکی از مهمترین اطلاعات کاربردی دانش بومی مردم منطقه مورد بررسی، شناسایی و معرفی زیستگاه گونه‌های گیاهان بود. آنچنان که وقتی هر گونه را معرفی می‌کردند محدوده یا زیستگاه خاصی را به آن اختصاص می‌دادند که این کار در روند یافتن گیاهان بسیار با اهمیت بود. بطور مثال می‌گویند: «برای یافتن سفیدپونه می‌توان در نقاطی مانند، اطراف چشمه‌ها، دره‌ها و مناطقی که آب در آنجا جریان دارد و رطوبتی است به جستجوی آن پرداخت. پمول در خاک‌های تیره و مرطوب و قسمت‌هایی از جنگل که نور زیادی به آنجا نمی‌رسد رشد می‌کند. گالی مختص مناطق گرمسیر است و در سردسیر رشد نمی‌کند». می‌توان استفاده از این بعد دانش گیاه‌شناسی جوامع محلی، را زمینه تحقیقات پیشرو جهت دسترسی آسانتر و ارزان‌تر به پیش‌بینی زیستگاه گونه‌های مطلوب و حفاظت و تقویت این مکان‌ها دانست.

در این خصوص قریشی و همکاران (۲۰۱۰: ۸۳۹-۸۵۱) در تحقیقات خود بیان کرده‌اند که جوامع محلی نسبت به گیاهان محیط زندگی خود و دیگر منابعی که ارتباط مستقیم با آنها دارند، آگاه هستند. این مردم در نواحی بکر ساکن شده‌اند، به همین دلیل اطلاعات آنها برای یافتن و شناخت عوامل محیطی و گیاهان می‌تواند مورد استفاده باشد. این مطالعه همچنین نشان داد که مردم محلی جهت نام‌گذاری برخی از گیاهان وجه تمسیه‌های خاصی دارند که برگرفته از خصوصیات مختلف گیاهان مانند شکل رویش، شکل ظاهری، بو، طعم و خصوصیات دارویی آنها می‌باشد. به عنوان مثال گیاهان گندِجارو^۱، کرگزنه^۲ و قوقوچی^۳ گونه‌هایی هستند که اسم آنها با خصوصیات ظاهری بخشی از اندام آنها تناسب دارد. زیرا گندِجارو گیاهی است که بوی تندى دارد و بومیان آن را به عنوان جارو استفاده می‌کنند. کرگزنه کرک‌های گزنده‌ای شبیه به گیاه گزنه ندارد و قوقوچی به دلیل مهاجرت پرنده‌ای در فصل بهار به این منطقه که صدای قوقوچی را تولید می‌کند و به این دلیل که کودکان با گل‌های این گیاه همین صدا را تولید می‌کنند، این نام را گرفته است.

نتایج این تحقیق را می‌توان با بررسی‌های جلال‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰: ۳۶۹-۴۲۴) در مراتع گوغر بافت کرمان مطابقت داد، آنچنانکه ایشان نیز در تحقیق خود به این موضوع اشاره نمودند که مردم محلی برای نام‌گذاری گیاهان از برخی خصوصیت‌های گیاه استفاده می‌نمایند. بطور مثال؛ گیاه «مکو» که در زبان مردم آن منطقه به معنی دایره‌های کوچک است به این دلیل نام‌گذاری شده است که در زمان رشد به صورت دایره‌ای رشد می‌کند.

همچنین بررسی فروزه و همکاران (۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۹) در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز نتایج این بخش را تایید می‌کند، بطوری که اذعان نمودند، جوامع محلی برای نام‌گذاری گیاهان از دانش خود بهره‌برده‌اند و برخی از گیاهان با توجه به دانش بومی نام‌گذاری

¹ *Artemisia annua* L

² *Lamium album* L.

³ *Convolvulus arvensis* L

شده‌اند. به عنوان مثال گیاهان پشموک، زبون‌گووری گیاهانی هستند که نام آن با خصوصیات ظاهریشان تناسب دارد. زیرا برگ‌های زبون‌گووری شبیه زبان گوساله است. یکی دیگر از نتایج این بررسی نشان دهنده آن است که در اغلب موارد گیاهانی که نام‌های مناسب و جذابی دارند، خوراکی هستند و مفید تلقی می‌شوند و طعم خوبی دارند مانند: تورنگ بقلی^۱ و سفیدپونه^۲، اما برخی گیاهان با نام‌های حیوانات موزی یا زشت را به دلیل غیرخوراکی یا سمی بودن به گیاهان اختصاص داده‌اند مانند: کله‌مهر^۳.

زمد و مفسین (۲۰۰۱: ۴۷-۶۲) در میان قبایل اتیوپی به این نتیجه دست یافتند که نام گذاری بومی معمولاً اطلاعات مهمی را در خود نهفته دارد چراکه بررسی برخی از اسامی نشان داد که تعدادی از آنها به انسان، حیوان وحشی یا اهلی و ویژگی‌های گیاه‌شناسی اشاره می‌کند. چنانکه نام حیوانات اهلی مثل (گاو، گوسفند، بز و غیره) نشان خوراکی بودن می‌باشد، اما نام برخی حیوانات سمی و موزی مانند (مار، کفتار) یا حیوانات کثیف مانند (خوک یا سگ ولگرد) نشان دهنده غیرخوراکی بودن گیاه است.

علاوه بر موارد ذکر شده در این تحقیق مشخص شد که مردم محلی اطلاعات بسیار با ارزشی در خصوص مراحل فنولوژیک یا همان مراحل رشد گیاهان داشتند. بطوری که در معرفی هر گونه، زمان رشد و جوانه زنی، پژمرده شدن و از بین رفتن گیاهان و زمان بهره‌برداری از آنها را توضیح می‌دادند به عنوان مثال گیاه چخموشغال و گندجارو را اینگونه توصیف می‌نمودند:

«چخموشغال گیاهی چند ساله است که در سال اول رویشش گل نمی‌دهد و فقط برگ هایش رشد می‌کند، اما از سال دوم به بعد در فروردین و اردیبهشت می‌توان گل‌های آن را مشاهده کرد. همچنین در خصوص گیاه گندجارو عنوان می‌کردند که گیاهی یکساله است و از اواخر اسفند ماه و اوایل فروردین در اکثر نقاط این منطقه رشد کرده است و تا اواخر مهرماه نیز مشاهده می‌شود. گندجارو در اواخر مردادماه گل می‌دهد و قبل از آن می‌توان به منظور دارو آن را بهره‌بردار کرد».

نتایج این بخش را می‌توان با بررسی‌های سعادتپور (۱۳۹۶: ۱۸۵-۱۹۲) و کیاسی و همکاران (۱۳۹۸: ۱۵۱-۲۰۴) مطابقت داد. بطوری که کیاسی در تحقیقات خود در مراتع خوش بیلاق استان گلستان عنوان کردند که مردم محلی در خصوص گیاه خیتمی‌گوله^۴ بیان می‌نمودند گیاهی چندساله و علفی است که رشد خود را از اوایل بهار آغاز می‌کند و همچنین در اوایل تابستان به گل می‌نشیند.

محققین در حین بررسی‌های خود پیرامون دانش بومی گیاهان منطقه به این نکته دست یافتند که محلیان برخی نکات و موارد همانند اشعار، ضرب‌المثل‌ها و حتی نفرین‌ها را که از گذشتگان خود در خصوص گیاهان به خاطر داشته و از آنها در زندگی خود استفاده می‌کنند و به نسل‌های بعد نیز منتقل می‌نمایند. این نکات در بین آنان رایج بوده و هر کدام می‌توانست ارتباط انسان با محیط اطرافش را ترسیم نماید. به عنوان مثال در خصوص مکان رویش درختچه ترشه نار ضرب‌المثلی در بین آنان رایج بود که از آن می‌توان به این نتیجه رسید، این درختچه در کوه و مناطق سردسیر رشد نمی‌کند و محل رویشش در گرمسیر یا اصطلاح «بن‌کوه» است. چرا که اغلب کسانی که از ترشه‌نار نام می‌بردند در صحبت هایشان به این مضمون اشاره می‌کردند و این بیت را می‌خواندند:

«سَر کوه نار کاشتم نگرفت، بن کوه نکاشته گرفت».

^۱ تورنگ در این منطقه نام پرنده‌ای زیبا با پرهایی به رنگ بنفش است که این گیاه به دلیل شباهت رنگ گل‌هایش به پر تورنگ، این نام را به خود اختصاص داده است.

^۲ برگ‌های سفید پونه دارای پرهایی است که ظاهر آن را نقره‌گون و سفید نشان می‌دهد این برگ‌ها نیز به عنوان نمادی برای پاکی محسوب شده و حتی برای درمان مارگزیدگی (که مار مظهر بدی و زشتی است) از آن استفاده می‌کنند.

^۳ کله‌مهر به معنی سر مار بوده و شباهت اندام گل آذین این گیاه به سر مار باعث نام گذاری آن شده است. همچنین اکثر مارهای این منطقه سمی بوده که نمادی از بدی و زشتی محسوب می‌شود.

^۴ *Alcea rosea L.*

همچنین اشعار بسیار زیبایی در خصوص آمدن بهار، توصیف گل‌ها، مدت زمانی که برخی گیاهان در عرصه دیده می‌شوند، وجود دارد. بطور مثال می‌توان به زمان رویش و دیده شدن گل آلوک که در این منطقه گل یکروزه نیز نامیده می‌شود و مدت بسیار کمی در مناطق سردسیر دیده می‌شود، اشاره کرد. در این منطقه افرادی که همسر خود را از دست داده بودند در شعری که از نام این گیاه استفاده کرده‌اند به وصف یار از دست رفته خود می‌پرداختند، آنچنانکه:

« گل یکروزه ی من در کجایی تِ نماز و روزه ی من در کجایی تِ
شب و روز انتظارم کی می آیی تِ دو چشمان دم در شاید نیایی تِ »

خسروی و همکاران (۱۳۸۷: ۲۶) نیز در نتایج بررسی خود پیرامون بررسی رویشگاه گیاهان دارویی در استان فارس به این موضوع اشاره کردند برخی سوگندها و ضرب المثلهای مردم محلی و عشایر برگرفته شده از گیاهان هستند که بطور مثال در خصوص گیاه بکلو ضرب المثلی رایج بوده و آن را قبل از هر سخنی در خصوص این گیاه بیان می‌کردند با این مضمون که «دروغ مٹ بکلو سړی او یعنی دروغ مانند بکلو ریشه اش در آب و سست است».

از دیگر نتایجی که محققان در این بررسی به آن دست یافتند این بود که در گذشته معمولاً تمام اعضای خانواده به انجام کار و فعالیت برای کسب روزی مشغول بودند، اما کودکان برای سرگرمی و اوقات فراغت، بازی‌های مختلفی را به وجود آورده بودند. این بازی‌ها نشان دهنده علایق و سلیقه‌های ذاتی آنهاست و ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ، آداب و رسوم و محیط اطرافشان دارد و یا برگرفته از نیاز است. بطور مثال به دلیل اینکه در فصل برداشت محصول کودکان نیز باید به دیگر اعضای خانواده کمک می‌کردند و گاهی مواقع نیاز به صدا کردن شخصی از راه دور بود، آنان ابزار سوتک را ساخته بودند. یا حتی کودکان و نوجوانان برای اوقات فراغت خود با برگ‌های ملکی تویی می‌ساختند و با آن حالتی شبیه به روپایی زدن را اجرا می‌کردند. این حرکت باید با قوس درون پا یا بیرون پا انجام می‌شد و در حین انجام آن شعری کودکانه می‌خواندند که گویی تعداد روپایی زدن را می‌شمارند. این شعر بدین صورت است؛ «یک دَبَه، یک دَبَه‌ونیم، دِ دَبَه، دِ دَبَه و نیم و» همین‌گونه می‌شماردند تا عدد ده و سپس شمارش از ابتدا آغاز می‌شد. این شماردن هر نیم شماره بود و هربار شمارش تا عدد ده، بیست مرتبه روپایی حساب می‌شد. مطالب ارائه شده در این بخش نقش بسیار مهم گیاهان را در زندگی مردمان محلی و دانش آنان در خصوص گیاهان را آشکار می‌کند. در مطالعه حاضر بخشی از دانش بومی مرتبط با مهمترین گیاهان خودرو منطقه قلعه‌میران مورد بررسی قرار گرفت که نشان داد مردم محلی علاوه بر شناسایی گیاهان، اطلاعات با ارزشی پیرامون خواص دارویی و خوراکی، زمان رویش، زمان و نحوه برداشت، اندام قابل استفاده و همچنین یافتن مناطق رویش این گیاهان دارند که می‌توان از این اطلاعات جهت مدیریت اصولی و بهره برداری بهینه از گیاهان استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

مطالعات گیاه مردم نگاری، اطلاعات بسیار ارزنده‌ای در خصوص گیاهان بیان می‌کند. این گونه مطالعات علاوه بر اینکه منبع ارزشمندی از اطلاعات و تجربیات و دانش‌های گذشتگان و بومیان یک منطقه را در دسترس قرار می‌دهند، بلکه می‌توانند به عنوان تحقیقات زمینه‌ساز برای سایر تحقیقات علمی جدید نیز استفاده شوند تا به وسیله آن اقدام به استخراج انواع خوراک‌های طبیعی و داروهای جدید، مؤثر و با خطر کمتر برای درمان و پیشگیری از بیماری‌ها گردد. همچنین می‌توان با استفاده از آن گیاهان مختلفی را در زمینه خوراک و مصارف صنعتی شناسایی نموده و به جامعه معرفی کرد. علاوه بر آن با توجه به اینکه این دانش بیش‌تر نزد سالخوردگان محلی بوده و به دلیل عدم تمایل نسل‌های جدید به یادگیری آن، در معرض فراموشی قرار گرفته است. به همین خاطر با انجام اینگونه تحقیقات این دانش ارزشمند ثبت شده و منبعی گران‌بها برای نسل‌های آینده باقی برجای خواهد ماند.

منابع

- امراللهی جلال آبادی، امیررضا، فروزه، محمدرحیم، بارانی، حسین و یگانه، حسن (۱۳۹۹). «مطالعه دانش بومی گیاهان مورد استفاده بهره‌برداران در مراتع گوغر بافت استان کرمان»، دو فصلنامه دانش های بومی ایران. سال ۶، شماره ۱۴، صص ۳۶۹-۴۲۴.
- بازگیر، احمد، پورهایمی، مهدی (۱۴۰۰). «گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام از شهرستان سلسله، استان لرستان»، دو فصلنامه علمی دانش های بومی ایران. شماره ۱۵، صص ۱۵۸-۸۵.
- بی باک، حسین و مقبلی هنزائی، فاطمه (۱۳۹۶). «جمع آوری، شناسایی و استفاده سنتی و بومی گیاهان دارویی در شهرستان جیرفت»، فصلنامه گیاهان دارویی، سال ۱۶، شماره ۴، صص ۱۴۱-۱۱۶.
- حیدری، مازیار و کرمدوست، بهروز (۱۳۹۳). «بررسی سیاست گذاری برنامه تنفس یا بهره برداری جنگل های هیرکانی»، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جنگل و صنوبر ایران. سال ۲۴، شماره ۴، صص ۷۳۶-۷۲۴.
- دولتخواهی، مهدی، قربانی نهوجی، مجید، مهرآفرین، علی، امینی نژاد، غلامرضا و دولتخواهی، علی (۱۳۹۱). «مطالعه اتنوبوتانیکی گیاهان دارویی شهرستان کازرون: شناسایی، پراکنش و مصارف سنتی»، فصلنامه گیاهان دارویی. سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۸-۱.
- رجنی، حسین و اکبری، فاطمه (۱۳۹۵). «دانش بومی استفاده از گیاهان دارویی روستای اربیم، منطقه هزار جریب شهرستان نکا»، نخستین همایش ملی گیاهان دارویی، معطر و ادویه‌ای، دوره ۱، صص ۷-۱.
- رحیم نیا، رضا، قراتی، مهران، زمانی فرد، علی (۱۳۹۴). «کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با دانش بومی حفاظت، رویکردی برای پاسداشت میراث فرهنگی ناملموس»، دو فصلنامه دانش های بومی ایران، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۴۵-۱۷۷.
- سجادی، ابراهیم، بخشبانی، مهدی، نکوخو، مسعود و ذوالفقاری، بهزاد (۱۳۹۵). «بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی شهرستان فریدون‌شهر»، مجله طب سنتی اسلام و ایران. سال ۷، شماره ۳، صص ۳۵۹-۳۷۰.
- سعادت پور، مسلم، بارانی، حسین، عابدی‌سروستانی، احمد و فروزه، محمدرحیم (۱۳۹۶). «بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی سجاورد استان زنجان»، فصلنامه داروهای گیاهی. سال ۸، شماره ۳، صص ۱۹۳-۱۸۵.
- سلیمان، مرضیه، رحمانی، حسین و فراشبان، راضیه (۱۳۹۲). «مروری بر گیاه دارویی خار مریم، اولین همایش ملی گیاهان دارویی و کشاورزی پایدار»، همدان، انجمن ارزیابی محیط زیست هگمتانه.
- شهرکی، محمد رضا، بهمنش، بهاره و کوسه غراوی، یازمرد (۱۳۹۵). «دانش بومی گیاهشناسی گیاهان دارویی و خوراکی در بین روستاییان مراتع بیلاقی هزارجریب مازندران»، نخستین همایش ملی گیاهان دارویی، معطر و ادویه‌ای، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۵۱.
- فروزه، محمدرحیم، حشمتی، غلامعلی و بارانی، حسین (۱۳۹۳). «گیاه مردم نگاری گونه های خوراکی - دارویی مرتع دیلگان استان کهگیلویه و بویر احمد»، مجله پژوهش‌های انسان شناسی ایران. سال ۴، دوره ۴، شماره ۱.
- کیاسی، یاسمین، فروزه، محمدرحیم، میردیلیمی، سیده زهره و نیک نهاد، حمید (۱۳۹۸). «گیاه مردم نگاری گونه های خوراکی، دارویی و صنعتی مرتع خوش بیلاق استان گلستان»، دو فصلنامه دانش های بومی ایران. سال ۶، شماره ۶، صص ۲۰۴-۱۵۱.
- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان. (۱۳۸۵). گزارش اقتصادی اجتماعی مطالعات حوضه آبخیز قورچای.

Feysa, Debela Hunde., Njoka, Jesse T., Asfaw, Zemed., and Nyangito, M. M. (2011). Seasonal Availability and Consumption of Wild Edible Plants in Semiarid Ethiopia: Implications to Food Security and Climate Change Adaptation. *Journal of Horticulture and Forestry*, 3(5), 138-149.

Kathambi, Vivian., Munyao Mutie, Fredrick., Cheptoo Rono, Peninah., Wei, Neng., Ndunge Munyao, Jacinta., Kamau, Peris., Gituru, Robert Wahiti., Hu, Guang-Wan, and Wang, Qing-Feng (2020). Traditional knowledge, use and conservation of plants by the communities of Tharaka-Nithi County, Kenya. *Plant Diversity*, 42, 479-487.

- Pardo-de., Santayana, Manuel., Pleroni, Andrea., Puri Rajindra K. (2010). Ethnobotany in the New Europe: People, Health and Wild Plant Resources. *New York, NY, Berghahn Books*, 151-204.
- Penny, R., Anderdon (2001). "Gender and Indigenous Knowledge". *IK&D M, Article*, 4(1), 9-1.
- Prance, Ghillelan Tolmie (2007). Ethnobotany, the science of survival: a declaration from Kaua'I. *Economic Botany*, 61, 1-2.
- Qureshi, Rahmatullah., Bhatti, G. Raza., and Memon, Rabia (2010). Ethnomedicinal uses of herbs from northern part of nara desert, pakistan. *Pakistan Journal of Botany*. 2, 839-851.
- Temam, Tamru, and Asalfew Dillo. (2016). Ethnobotanical study of medicinal plants of Mirab-Badwacho district, Ethiopia. *Journal of BioSci and Biotechnology*, 5(2), 151-158.
- Tounekti, Taieb., Mosbah Mahdi, and Habib Khemira. (2019). "Ethnobotanical Study of Indigenous Medicinal Plants of Jazan Region, Saudi Arabia." *Evidence-Based Complementary and Alternative Medicine*, 1-45.
- Zemedede, Asfaw., and Mesfin, Taddsse (2001). Prospects for Sustainable Use and Development of Wild Food Plants in Ethiopia. *Economic Botany*. 1(3), 47- 62.
- Zhao, Zhil., Dorje, Gaawe., and Wang, Z.T (2010). Identification of medicinal plants used as Tibetan Traditional Medicine Jie-Ji. *Journal of Ethnopharmacology*. 132, 122-126.



پیوست: تصاویر گیاهان بررسی شده در مراتع قلعه‌میران

عکاس: محمد سمیعی، تاریخ عکسبرداری: بهار، تابستان و پاییز ۱۴۰۰



Arum maculatum L. (کلم‌مهر)



viola odorata l. (ونوشه)



Convolvulus arvensis L. (قوقچی)



Colchicum speciosum Steven (الوعک)



Viscum album L. (دارواش)



Vicia villosa Roth (تورتگ بقلی)



Mentha Pulegium l. (سفیدپونه)



Phragmites australis (گالی)



Artemisia absinthium L. (چخمو شیغال)



Achillea millefolium L. (گل مادران)



Petasites hybridus L. (بمبول)



Artemisia annua L. (گند جارو)



Malva parviflora L. (ملکی)